

نیمه روشن ماه

چهره و جایگاه زن در آثار داستانی
بروین صمدی مقدم

داستان‌های که تاد و بندورمان‌ها
در قالب گفت‌وگوها و یادداشت‌های نویسنده

انتشارات

فرهنگ و سینما

۱۳۹۹

NIME ROSHAN MAH

"Woman" in the novels and stories of

Parviz Samadi Moghaddam

© 2020 Farhang Va Cinema Press

Tel: + 989365077765-02166717300 Tehran-Iran

ISBN: 978-964-7968-56-0

نام کتاب: نیمه روشن ماه (چهره و جایگاه زن در آثار داستانی پرویز صمدی مقدم)

نویسنده: پرویز صمدی مقدم

طراح جلد: بارسانین

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹، تهران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۵۶-۰

همه حقوق متعلق به نویسنده و محفوظ است

Instagram: farhang_va_cinema_press | parviz.samadi.moghaddam

فرهنگ و سینما: تهران تلفن: ۰۹۳۶۵۰۷۷۶۵ و ۶۶۷۱۷۳۰۰

Cultureandcinema@gmail.com ۵۷۰۰۰ تومان

سرشناسه: صمدی مقدم، پرویز، ۱۳۳۱ -

عنوان و پدیدآور: نیمه روشن ماه: چهره و جایگاه زن در آثار

داستانی پرویز صمدی مقدم... نویسنده پرویز صمدی مقدم.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ و سینما، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهر: ۳۲۰ صفحه؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۵۶-۰

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

موضوع: صمدی مقدم، پرویز، ۱۳۳۱ - -- مصاحبه‌ها

موضوع: داستان نویسان ایرانی -- قرن ۲۰ -- مصاحبه‌ها

موضوع: Novelists, Iranian -- 20th century: Interviews

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian fiction -- 20th century: History and criticism

موضوع: Women in literature: رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۴PIR

رده‌بندی دیویی: ۶۲/۳۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۰۱۸۵۵

۱۳	کلیدواژه‌ها
----	-------------

فصل نخست / در جستجوی معنا

۲۰	۱- رسیدن به طبیعت (یک گفت‌وگو - بخش نخست)
۳۷	۲- همه آنهایی که دوستانشان داریم (یک گفت‌وگو - بخش دوم)
۴۵	۳- کلیات - نگاه نویسنده
۴۸	جایگاه والای زن
۴۹	زن، مثابه مادر و پناهگاه
۵۴	زن، سم‌دیده، آسیب‌دیده و مظلوم
۶۱	زن، ناسازگار، بی‌کار
۶۲	زن، مبهم، پیچیده و استعاری
۶۳	زن، کنشگر
۶۴	زن، مدرن و روش‌فکر
۶۵	زن، جان‌فدا و خانه‌نشین
۶۸	عشق زمینی (زن و جنسیت)
۷۳	۴- مادرم
۷۹	چند فراز از کتاب "هفده نوه"

فصل دوم / زنان ویژه در ده اثر نویسنده

۸۴	روانشناسی هنر و زیبایی
۸۵	۱- رمان رازها
۸۸	۲- مجموعه داستان تندیسگر
۹۰	۳- رمان در اعماق دانایی
۹۲	۴- رمان خواب‌بند
۹۴	۵- مجموعه داستان ته دنیا
۹۶	۶- رمان دختران سال‌های مه‌آلود
۹۸	۷- رمان جان‌فاخته
۹۹	۸- رمان شنودن
۱۰۱	۹- مجموعه داستان خرگوش‌های نقره‌ای

۱۰- رمان میان داشتن و نداشتن ۱۰۳

فصل سوم / از آثار... (کلیدواژه‌ها)

همه در یک داستان ۱۰۶

۱- آغاز جهان بینی ۱۰۶

۲- زن و آزادی ۱۱۰

۳- رویاها و آرزوها ۱۱۱

۳-۱ زن و رویاها ۱۱۱

۳-۲ مرد و زن و رویاها ۱۱۵

۴- مادر و مادری ۱۱۹

۵- عشق، عشق و عشق، عشق آسمانی (عشق بزرگ) ۱۳۱

۶- عشق مجازی، زمینی (عشق کوچک) ۱۳۷

۷- عشق و نفرت ۱۴۵

۸- زن و جنسیت ۱۴۷

۹- نگرش و پندار مرد نسبت به زن ۱۵۳

۹-۱ نگاه طبیعی ۱۵۳

۹-۲ نگرش ستایشگر و حمایتی به زن ۱۵۳

۹-۳ مردان برای زنان چه می‌کنند (دوستی یا دشمنی)؟ ۱۵۶

۹-۴ نگاه منفی، عوامانه و سنتی مرد به زن ۱۵۸

۹-۵ نگاه زن به مرد ۱۶۱

۱۰- جبر و اختیار ۱۶۳

۱۱- جسم و تن ۱۷۳

۱۲- زن، هنر، زیبایی ۱۸۵

۱۳- معرفت جسم ۱۹۵

۱۴- زن و اغواگری ۱۹۹

۱۵- زن، نماد آمال و آرزوهای بشری ۲۰۱

۱۶- منفی، خاکستری، سیاه ۲۰۳

۱۷- زن و اراده‌اش - درک واقعیت‌ها ۲۰۸

۱۷-۱ زن آسمانی و اسطوره ۲۱۲

۲۱۳	۱۷-۲- زن والا، مقتدر، توانا و برتر
۲۱۸	۱۷-۳- زن دانا، آگاه و فرهیخته
۲۱۹	۱۷-۴- مستقل و متکی به نفس
۲۱۹	۱۷-۵- باتدبیر، بااراده و قوی
۲۲۲	۱۷-۶- پناه‌دهنده و پناه‌گیرنده
۲۲۷	۱۷-۷- مبارز و انتقام‌گیر
۲۳۰	۱۷-۸- کامیاب، موفق و پیروز
۲۳۰	۱۷-۹- زن زندگی
۲۳۱	۱۱-۱۰- نازنی، ناکام، عصیانگر و هنجارشکن
۲۴۴	۱۷-۱۱- زن آزادخواه
۲۴۵	۱۸- زن و ه سری زناشویی
۲۵۵	۱۹- خلق و خور - زن و هر و حس‌های زنانه
۲۵۹	۲۰- زن در تغییر و تحولات اجتماعی
۲۵۹	۲۰-۱- جنبش زنان - هم‌اکنون با زنانی به سوی آینده
۲۶۰	۲۰-۲- نسل امروز - زن امروز
۲۶۲	۲۱- روانکاوی و روانشناسی زن
۲۶۷	۲۲- زن و سرنوشت تاریخی
۲۷۴	۲۳- معصومیت، مظلومیت و بردباری
۲۸۳	۲۴- زن به مثابه فرشته
۲۸۶	۲۵- زن، تبعیض، استضعاف
۲۹۰	۲۶- زن و طبیعت
۲۹۹	۲۷- زن و روشنفکری
۳۰۸	۲۸- زن دردمند، منفعل، خسته و درمانده
۳۱۳	۲۹- ظاهر و متظاهر
۳۲۹	۳۰- زن و سنت - زن سنتی، زن عامی
۳۳۳	و سرانجام
۳۳۵	مشخصات کتاب‌ها

پیشگفتار

از زمانی که خود را شناختم، کنجکاو و حساس، اهل دلیل و منطق و پرسیدن و دانستن و البته بسیار آزادیخواه بوده‌ام. بهایی که بابت آزادی‌طلبی‌ام در زندگی پرداخته‌ام، بر من بسیار سنگین آمده است! این پرداخت بها بابت آزادی در کودکی به یک شکل بوده و در نوجوانی به شکلی دیگر. در جوانی صورت دیگری داشته و در میانسالی هم دارای ویژگی‌های خرد بوده است. پرداختن همین بها‌های سنگین جهت آزادی و رهایی از قید و بندهای انسانی و نیز فهمیدن و از جهل و خرافه‌گریختن و نرفتن به زیر سلطه و تحمیق و زور و فساد، موجب شدند آسیب‌های فراوانی ببینم و زیان‌های بسیاری هم بردم؛ از چیزهایی که دیگران شاید نه آن را درک می‌کردند نه ارزش آن را می‌دانستند.

خیلی زود متوجه‌ام شد و پذیرفتم که باید آرام بود و سنجیده زیست و پیش‌روی ادامه داد. به خود گفتم: «بگذار آرام آرام آن سه خصوصیت "حساسیت و کنج‌کاوی"، "استدلال‌گری و منطق‌گرایی" و "آزادیخواهی" در شخصیت خود پرورش یابند! یادم هست در زمان دانشجویی، بچه‌هایی که حساسیت زیادی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی داشتند، پس از دوران تحصیل، رفت و رفته این جنبه از شخصیت اجتماعی خود را از دست می‌دادند؛ زیرا آن‌ها به سیاست و جامعه، با وسوسه‌های هوش‌ربا و کمابیش واقعیت‌نمایی، البته غلطی، آنها را خلع سلاح می‌کرد و خسته و اغلب دلزده به گونه‌ای بن‌بست راه می‌رسیدند. بسیاری از جوانان ما، اکنون هم همین‌گونه‌اند! آنها رنگ‌رایی دوران دانشجویی را خیلی زود از دست می‌دهند، ولی گمان می‌کنم من در برابر این وسوسه‌ها و نیرنگ‌ها ایستادم و به جرگه "سیاهی لشگرهای بن‌بخت!" نپیوستم؛ کسانی که به محض مواجه شدن با یک واقعیت تلخ و ترساننده اجتماعی اولین کارشان به بی‌خیالی زدن خود و گفتن «آخر چه کاری از دست من تنها برمی‌آید؟» بود! چرا آن آدم‌های حساس و داغ و آرمان‌گرای پیشین و به بن‌بست رسیده امروز، چنین آسان به‌هم‌ریخته و فراموشکار

می‌شدند؟ جز این باید بدانیم که این همه ناشی از ضعف شخصیت، پشتوانه معنوی، کم‌دانشی و تجربه و گنجایش ذهنی محدود آنها بود؟ و نتیجه؟ زندگی در مسیری خطرناک و پراشتباه می‌گذرد! من تلاش کرده‌ام هر چیزی را سر جایش بگذارم، شکیبایی پیشه کردم و از هیچ‌کدام از موضوع‌های اعتقادی‌ام که خیلی‌هایشان فلسفی هم شده بودند رو برگرداندم، بلکه پیش‌تر هم رفتم. می‌توان برای توضیح این حالت، اصطلاحات پختگی یا "درک عالی" یا "پیدا کردن شمع قوی" را به کار برد. نمی‌دانم در این خصوصیات بود که رک‌گویی، حقیقت‌جویی و مقابله با ریا و تظاهر، سرغریزو خلقیات اصلی من شد، یا همین خلقیات بود که مرا به حساسیت‌افزینی رید نسبت به محیط دور و برم واداشت.

در تلویزیون با سکم پناه‌سگر و در زمینه‌های تولید داخلی و خارجی کار کرده‌ام که همه توام با کارهای پژوهشی بود. در وزارت ارشاد نیز کارم پس از سینمای جوان در مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی بود. مدتی را در یک کار بزرگ پژوهشی که بزرگترین طرح آمارگیری فرهنگی توسط وزارت ارشاد و زیر نظر یونسکو بود کار و مشارکت کردم و برای نوشتن تمام داستان‌ها، رمان‌ها و دیگر آثارم مبنای کار و پژوهش بود. حاصل سی سال کار مطبوعاتی نیز گواه بر نقد، پژوهش، آموزش و مدیریت فرهنگی‌ام است. از این رو می‌توان مرا نویسنده و پژوهشگر، منتقد و هنرمند و کارشناس فرهنگی با هم دانست. و حال پس از این همه سال‌ها پژوهشی جذاب‌تر و لازم‌تر از این‌که به تحقیق و تجزیه و تحلیل و نقد آثار خودم بپردازم؟ این نتیجه کاری است که دیگر پژوهشگران و منتقدان باید درباره آثارم به عهده می‌گرفتند، اما نیرویی درونی مرا بر آن می‌دارد که منتظر نشینم و کاری نیمه‌تمام را خودم تمام کنم.

پیش از این کتابی در نقد و بررسی رمان‌ها و مجموعه داستان‌هایم عرضه کرده‌ام به نام "خوشه آبی انگور" که حاصل نقد نویسندگان و منتقدان درباره کتاب‌هایم و نیز گفتگوهایی است که با خودم انجام گرفته است. اما درباره مفاهیم و موضوعاتی که در این کتاب‌ها هست و با عنوان کلیدواژه‌ها

از آنها یاد می‌کنم، هنوز سخن بسیار است. در کتاب حاضر قصد کردم تا به یکی از مهمترین آنها بپردازم و آن موضوع زن در نزدیک به سی جلد کتاب‌های داستانی و رمان من است. در این گشت و گذار در پی کشف و شهود و بررسی جنس و جان داستان و شخصیت‌های آن و البته نمودهای بیرونی این شخصیت‌ها بودم. پس برآمدم تا افکار و جهان‌بینی پنهان و آشکار در خصوص شخصیت‌های زن در این آثار را بکاوم.

کلیدواژه‌ها

بر نویسنده کلیدواژه‌ها و مفاهیم آشکار و پنهانی در داستان‌هایش دارد که با نوشتن‌های بیشتر حتی برای خود وی کشف می‌شوند و از این جنبه برای او بسیار تازگی دارند. این شناخت فرد از خودش را سلیقه‌ها و عادات و گرایش‌های آشکار و پنهان اوست که به وی یاری می‌رساند تا آثار جدیدش را نوتر و کامل‌تر بنویسد. وانگهی برای خواننده هم مهم است که از دلمشغولی‌های او که در طیفی از سلیقه‌ها و بینش‌های مهم در جهان‌بینی‌اش قرار دارند پی‌ببرد تا از خواندن آثار وی بیشتر لذت ببرد. با این کلیدواژه‌ها و مفاهیم می‌توان به سادگی خط فکری، سبک کار و دیگر ویژگی‌های آثار نویسنده را کشف نمود. بارها تجربه کرده‌ام که اغلب خوانندگان کتاب‌های من گفته‌اند در خواندن‌های دوم و سوم این کتاب‌ها به چیزهای تازه پی‌برده و با اندیشه‌ها و رویه‌های پنهان کتاب آشنا شده‌اند. این‌گونه نظرات افزون بر این‌که مایه خوشحالی و دلگرمی نویسنده می‌شود، چرا که می‌فهمد نوشته‌هایش ارزش چندبازخوانی را دارند، او را به این فکر می‌اندازد که روی آثارش تفسیرها و نقدها را بداند و بداند تا خواننده را پیش یا بعد از خواندن کتاب با مفاهیم کتاب آشنا کند و این اثرش پیوندی آنی‌تر و بهتر ایجاد کند. این یک واقعیت است که تمامی باید لقمه را در دهان برخی مخاطبان گذاشت که از قضا از آنها هیچ توقع نمی‌رود! پس اجازه بدهید پیش از آوردن عناوین و تفسیر مفاهیم و موضوعات مشترک کتاب‌ها برای آشنایی بیشتر خوانندگان نکته‌ای را یادآوری کنم:

در کتاب "رمان ایرانی" بر این نکته اشاره داشتیم که کتاب به عنوان اثر ادبی از یک نویسنده با چند عامل مهم پیوند می خورد و بدون آنها معنا و مفهومی ندارد:

۱- دارنده یا آفریننده اثر ۲- ناشر اثر ۳- یابنده (کاشف) اثر ۴- مبلغ اثر ۵- نفس و منتقد اثر. نویسنده ممکن است نداند ارزش اثرش چقدر است. می تواند حدس بزند و خوش باورانه آن را شاهکار بداند! البته این حق اوست که اثرش را بهترین و والاترین بداند اما مخاطب هم برای خودش حقی ندارد. نویسنده برای مردم هم می نویسد. نخستین کسی که در اجتماع مترجم می شود کار نویسنده ارزش دارد، ناشر است (باید چنین باشد و اگر کوتاهی می کند، او ناشر واقعی و حرفه ای نیست. البته بیشتر ناشران امروز از جبهه مادی و کمابیش ظاهری این تشخیص را می دهند و اثری را چاپ می کنند). کاشف اثر نقش پررنگ تری در کشف اثر و نبوغ نویسنده دارد. او سر راه اثر تر می گیرد و تشخیص می دهد که باید اجتماع را از وجود یک اثر برتر آگاه سازد. جای این کاشف یا بازبین در اداره کتاب یا نهادهای وابسته به آن جزو اهل قلم و... است و او وظیفه دارد کتاب را به واحدهای مربوطه معرفی کند. برای مثال، به شورای جایزه کتاب سال یا جایزه ها و جشنواره ها، دانشکده ها، هیات های امنای کتابخانه ها برای خرید حداکثری، واحدهای ترجمه در زبان های بیگانه و حضور بین الملل یا مراجع بررسی کننده آثار برتر و راهبردی می نویسد. یابنده و کاشف اثر کیست؟ کسی است که پیوسته به جستجوی پدیده های تازه است و با نگاه موشکافانه به هر چیزی می نگرد و آن را می کاود. مانند کارآگاه خصوصی که مو را از ماست می کشد. فردی آینده نگر، نه تنها به موقعیت نویسنده که به موقعیت و آینده خود نیز می اندیشد. زیرا امتیاز کشف اثر و نویسنده و افتخار آن نصیب او می شود. در دنیای امروز نقش کاشف بسیار فراتر از هر کنشگر فرهنگی است. اگر کاشف نباشد چگونه می توان ورزشکاران بزرگ یا هنرمندان نابغه را یافت و به جهانیان شناساند؟ از اینجا به بعد است که مبلغ اثر آگاهانه یا به میدان می گذارد.